

هم شیوه پرداخت نامناسبی را انتخاب می‌کنند: «گاه دولت‌ها تصمیم گرفته‌اند بخشی از حق بیمه کارفرمایان را در قالب اعطای امتیازاتی به کارفرما یا کارگران خاص مانند قالیبافان و رانندگان پرداخت کنند. تسویه جزئی و گاه به‌گاه بدهی دولت‌ها به سازمان تأمین اجتماعی بیشتر به صورت واگذاری تهرانی شرکت‌های زیانده رخ داده است.» مصاحبه‌شوندگان می‌گویند: «پول‌هایی که از بیمه‌گذاران دریافت می‌کنند و مقرر بوده که سرمایه‌گذاری شود، مجدداً وارد سرمایه‌گذاری‌های غیرواقعی می‌شود. برآوردهای سرمایه‌گذاری عموماً محاسبه اقتصادی درستی ندارند و همیشه پای تأمین اجتماعی گران‌تر می‌افتند.» آنها به بخشی از سیاست‌ها اشاره کرده‌اند که منابع مالی‌شان مشخص نبوده و سازمان تأمین اجتماعی را گیر انداخته است. طرح‌هایی که با هدف توسعه رفاه جامعه، بهبود درمان و حمایت از کارفرما را رایج‌شده‌اند اما برای صندوق باامالی ایجاد کردند. کارگران می‌گویند: «بیمه رانندگان در راستای اصل ۲۹ قانون اساسی و بیمه قالیبافان، خیلی عالی است، ولی پولش از کجاست؟ این لایحه با پیشنهاد دولت در مجلس مطرح شده و دولت اظهار کرده هر سال در بودجه خودش بیمه این افراد را در نظر می‌گیرد، نماینده هم تصویب کرده. زمانی که نماینده مجلس سر سال بودجه دولت را می‌گیرد، نمی‌گوید قانون قالیبافان و رانندگان را خودت پیشنهاد دادی، پس چرا در بودجه لحاظ نکردی؟ نظارت در مجلس برقوانینی که خودشان تصویب کردند، وجود ندارد.»

سیاست‌هایی مثل بازنشستگی پیش از موعد هم که برای ورود جوانان به بازار کار انجام شد، نه تنها نتوانستند مشکل اشتغال را حل کنند، بلکه مستمری بگیرها را افزایش دادند. بسیاری از کسانی که در این طرح‌ها بازنشسته شده بودند، مستمری پایینی داشتند و دوباره به بازار کار برگشتند. این اتفاق ورودی‌های صندوق را کاهش داد، چون نیروهای تازه‌ای به بازار وارد نشده بودند. برخی از کارشناسان می‌گویند چون بازنشسته‌ها پادستمد کم‌تر کار می‌کردند، نیروی کار هم رازان‌شده و دستمزد و حق بیمه هم کاهش پیدا کرد.

کارگران می‌گویند مجموعه این سیاست‌ها سازمان تأمین اجتماعی را تبدیل به محوری حمایت‌های مساعدتی و تکالیف دولت کرده است: «مساعدت اجتماعی می‌تواند برای دولت‌ها و جریان‌های سیاسی به ابزاری برای کسب محبوبیت و مشروعیت بدل شود. از آنجایی که از پیش مشخص است که دولت توان یا تمایل اندکی به پرداخت دیون خود دارد و در صورت ایجاد تعهد جدید برای دولت، تنهاری رقمی به ارقام پیشین افزوده خواهد شد. از لحاظ حقوقی و منطقی با توجه به اینکه منابع سازمان تأمین اجتماعی از سوی یک گروه مشخص (شاغلان) تأمین مالی شده است، استفاده از آن برای امور مساعدتی ناموجه است. زیراتر اشتراکی و بین نسلی یک گروه مشخص را صرف احتیاجات عمومی می‌کند، احتیاجاتی که باید از منابع عمومی (بیت‌المال) تأمین مالی شود.»

سازمان تأمین اجتماعی دولتی شده است، مصاحبه‌شوندگان می‌گویند «با تغییر غیرقانونی اساسنامه سازمان در سال ۱۳۸۹ و حذف عنوان استقلال اداری سازمان و شورای عالی تأمین اجتماعی، استقلال سازمان با چالشی جدی مواجه شد. سازوکار دموکراتیک‌تر پیشین جای خود را به هیأت‌انمایی دولتی داد.» آنها به قرار گرفتن سازمان تأمین اجتماعی در سایه وزارت رفاه و قدرت وزیر در عزل و نصب‌های مختلف به‌عنوان دلیلی برای دولتی شدن این سازمان اشاره کرده‌اند و همین دولتی شدن را دلیلی برای بحران مالی سازمان می‌دانند: «اولاً اساسنامه را عوض کرده‌اند که بخشی از آن مربوط به ساختارهای تأمین اجتماعی و بخشی مربوط به شورای عالی تأمین اجتماعی بود که آن را برداشتنند و جای آن هیأت‌انمایی اش کردند. این یعنی آن ساختار پاسخگومی شود و انگار یک متولی پیدا می‌کند که این متولی اختیارات ویژه‌ای دارد. این اختیارات برای این نیست که بنیة اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی را تقویت کند.» سازمان نظارت ذی‌نفعان را ندارد و کسی در مقابل آنچه دولت‌ها به سازمان تحمیل می‌کنند مقاومتی نشان نمی‌دهد. در نتیجه سازمان به گفته کارگران حیطه‌خولت دولت‌ها می‌شود و صندوق بازنشستگی، صندوق ذخیره دولتی.

## سیاست‌هایی مثل

بازنشستگی پیش از موعد

هم که برای ورود جوانان

به بازار کار انجام شد،

نه تنها نتوانستند مشکل

اشتغال را حل کنند، بلکه

مستمری بگیرها را افزایش

دادند. بسیاری از کسانی که

در این طرح بازنشسته

شده بودند، مستمری

پایینی داشتند و دوباره

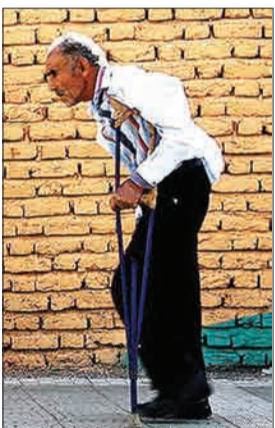
به بازار کار برگشتند. این

اتفاق ورودی‌های صندوق را

کاهش داد، چون نیروهای

تازه‌ای به بازار وارد نشده

بودند



سعید غلامحسینی / شهروند



## کارگران از نقش کم‌رنگ‌شان در مدیریت صندوق‌های بازنشستگی گلایه‌مندند

# غیبت کارگران در تصمیم‌گیری‌ها

هم‌اکنون نمایندگان تشکلی‌های کارگری نشان‌بهران در صندوق است، اما همه کارگران هم این‌طور فکر نمی‌کنند. بعضی از آنها به وجود بحران شک دارند و می‌گویند: «اینکه صندوق‌ها دچار بحران‌اند، حرف آنهاست. ما هیچ دسترسی و ناظر مستقلی نداریم، چون همه ارکان تأمین اجتماعی را دولت اداره می‌کند، اگرچه ما صاحبش هستیم.» پژوهش در اینجا توضیح می‌دهد که آنها معضلات را ناشی از عوامل بیرونی می‌دانند و منظور از نبود بحران «توان مالی بالای صندوق‌ها و ائتلاف مالی در آنها و انتقال بار مالی بر دوش خدمت‌گیرندگان است.»

### چرا سازمان تأمین اجتماعی با بحران روبه‌روست

نگاه خدمت‌گیرندگان، یعنی کارگران درباره دلایل بحران صندوق بازنشستگی مهم است. آنها به عوامل مختلفی اشاره کرده‌اند؛ عواملی مثل مشکلات اقتصادی، رویکردها و عملکردهای نادرست دولت و مجلس، معضل در برقراری صحیح حق بیمه و وصل آن و کاهش نسبت پشتیبانی. مشکلات اقتصادی فقط مساله صندوق‌ها نیست، این مشکلات در کل کشور بازار کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این طریق باعث ضعیف شدن صندوق‌ها می‌شوند. بی‌ثباتی کار، بیمه‌شده‌ها را کاهش می‌دهد، تورم و رکود شرکت‌ها و صنایع را به ورشکستگی می‌کشاند و بیکاران بیشتر می‌شوند و منابع صندوق تحت فشار قرار می‌گیرد؛ «محتوا و شیوه اجرای قوانین نیز از ایجاد امنیت شغلی ناتوان است، این امر موجب شده از سویی تبصره‌های بسیاری برای فرار از الزام بیمه‌ای کارگران فراهم شود و از سوی دیگر قراردادهای کار الزام خود را از دست بدهند و با تقویت قدرت مفروض کارفرمایان در میدان بازی کار و سرمایه، امکان اخراج کارگران یا تن دادن به کار بی‌قراری یا کم‌مزد افزایش یابد و تمامی اینها از ورودی‌های بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌ای کشور یعنی تأمین اجتماعی خواهد کاست.» شرکت‌های سرمایه‌گذاری سازمان یعنی شستا هم از این رکود تأثیر می‌گیرند و ارزش سرمایه‌های صندوق کم می‌شود.

نقش دولت و مجلس هم از چشم مصاحبه‌شوندگان پوشیده نمانده است. دولت در پرداخت مطالبات سازمان سال‌هاست که بدهی می‌کند و از پرداخت سهم ۳ درصدی اش در حق بیمه شانه خالی می‌کند. دولت‌ها حتی در صورت پرداخت

شهروند] زنگ خطر ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی مدتی است در کشور به صدا درآمده است. کارشناسان بارها از بحران کاهش نسبت پشتیبانی گفته‌اند و درخواست اصلاح نظام بازنشستگی را داشته‌اند. در این میان سازمان تأمین اجتماعی که بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور است، در صورت ورشکستگی جمعیت بیشتری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این سازمان باید علاوه بر بازنشستگی، از کارافتادگی و سایر خدمات اجتماعی راهم رایج دهد و نیاز به تأمین منابع مالی و پاینداری آنها دارد. راه حل برای خروج از این وضعیت بحرانی، تنها در دست کارشناسان نیست، کارگران و کارفرمایان که سرزودت و آینده‌شان به این سازمان گره خورده، باید بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند. این مساله‌ای بوده که سازمان تأمین اجتماعی آن را متوجه شد و تلاش کرد با نظرسنجی از کارشناسان و کارگران راهی برای اصلاح ساختار بازنشستگی به دست آورد. یکی از این پژوهش‌ها با نام «تحلیل نگرش تشکلی‌های کارگری و کارفرمایی در خصوص اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی» می‌تواند نگاه آن سوی قصه، یعنی کسانی که به این صندوق امید بسته‌اند، نشان دهد.

فروغ میبغ و وحیده میربیگی برای این پژوهش ۵۰ نفر از نمایندگان تشکلی‌های سراسری کارگری و کارفرمایی مصاحبه کرده‌اند تا بتوانند علل شکل‌گیری و تداوم بحران و اصلاحات نظام بازنشستگی را به دست آورند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان موافق بودند که صندوق‌های بازنشستگی دچار بحران شده‌اند. آنها نشانه‌های بحران را در زندگی روزمره خود حس می‌کنند. یکی از کارگران گفته است: «ببینید اگر با بحران مواجه نبود، این پرداخت‌ها همیشه سر وقت بود و هیچ وقت نمی‌آمدند در حق‌های جدید اجرا کنند. یک مقدار زیادی از هر بازنشسته‌ای خانواده کم می‌کنند و این یک مبلغ خیلی بزرگی می‌شود و یک چاله‌ای از کار خودشان را پر می‌کنند.» آنها می‌گویند کارگران با اینکه حق بیمه می‌دهند، هیچ خدماتی نمی‌گیرند: «تو این شرایط کارگرو کارفرما هر کدام دوتا تهدید در مقابل‌شان هست و کارگر اگر خواهد حق بیمه بیشتری بدهد، با این درآمدی که دارد، برایش مقدور نیست. با همین مبلغ هم کارگران از پرداخت این حق بیمه عاجز هستند. کارفرما هم اگر خواهد حق بیمه بیشتری بپردازد، شاید در حالت عادی منجر به اخراج کارگران شود.» از نظر آنها بحران چیزی است که آنها را از رسیدن به هدفی که سازمان قول داده بود، یعنی خدمات به موقع بازمی‌دارد. نارضایتی خدمات‌گیرندگان

## آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت توزیع برق مازندران در نظر دارد عملیات اجرایی پروژه ساختمانی شرح جدول ذیل را مطابق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه و سایر توضیحات زیر از طریق برگزاری مناقصه عمومی به مناقصه‌گران واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	شرح مناقصه	مبلغ برآوردی ریال	مبلغ تضمین ریال
۹۸۱۰۱۰۹۴۱	احداث ساختمان فاز ۴ (نهایی) ساختمان اداری امور برق گلوگاه	۶.۷۹۸.۰۹۰.۴۳۲	۵۰۴.۰۰۰.۰۰۰

**توضیحات:**

- تضمین شرکت در مناقصه قابل قبول کارفرما بر اساس آیین نامه تضمین معاملات شرکت‌های توزیع می‌باشد.
- این شرکت از پذیرش چک شخصی، ارائه وجه نقد و... تحت عنوان تضمین شرکت در مناقصه خودداری خواهد نمود.
- حقوق و مبالغ پایه بصورت برآوردی بوده و بصورت دقیق در اسناد مناقصه اعلام میگردد.
- به پیشنهادهای فاقد امضا، مجاز، مشروط، محدود، فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در این فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- سایر شرایط و اطلاعات در اسناد مناقصه درج شده است.

۱- زمان فروش اسناد: از روز دوشنبه تاریخ ۹۸/۱۰/۳۰ لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۸/۱۱/۰۵

۲- محل دریافت اسناد: سایت شرکت توزیع نیروی برق مازندران <http://www.maztozi.ir> - مناقصه و مزایده

۳- مبلغ فروش اسناد: مبلغ ۵۰۰.۰۰۰ ریال به حساب جام شماره ۵۲۴۰۳۳۴۱۲ بانک ملت شعبه امیر مازندران ساری (پرداخت از طریق درگاه اینترنتی)

۴- مهلت تحویل پیشنهاد پاکت: زمان تحویل اسناد حداکثر تا ساعت ۱۴:۳۰ روز سه شنبه مورخه ۹۸/۱۱/۱۵ میباید.

۵- زمان بازگشایی پاکت: ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخه ۹۸/۱۱/۱۶ انجام می‌گیرد.

۶- محل تحویل اسناد مناقصه: ساری، خیابان امیر مازندران، روبروی خیابان وصال شیرازی - شرکت توزیع برق مازندران - دبیرخانه

۷- شرایط مناقصه گران:

الف - داشتن شخصیت حقوقی

ب- داشتن ظرفیت خالی در رشته مورد نظر.

ج - داشتن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه پنج یا بالاتر در رشته ساختمان و ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

۷- نشانی کسب اطلاعات بیشتر: الف- سایت پایگاه ملی مناقصات به آدرس [www.lets.mporg.ir](http://www.lets.mporg.ir)

ب- سایت معاملات توانیر به آدرس [www.Tender.Tavanir.org.ir](http://www.Tender.Tavanir.org.ir) ج- سایت شرکت توزیع برق مازندران به آدرس [www.Maztozi.ir](http://www.Maztozi.ir)

د- شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۴۰۵۱۲۱- امور تدارکات - اداره مناقصات

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق مازندران

### نگاه کارگران به عوامل بحرانی، بیرونی است

ضعف سیاست‌های کنترل گروابط کار و اجرای نامناسب آنها که باعث موقتی سازی شغل، مشاغل غیررسمی، سطح پایین دستمزد، خروج کارگران از شمول قانون کار و غیره برمی‌گردد در کنار مشکلات اقتصادی کلان کشور و قوانین و مقرراتی که باعث کاهش ورودی‌های صندوق و افزایش خروجی‌های آن می‌شود از دلایلی است که کارشناسان بارها به‌عنوان عوامل ساختاری بحران صندوق‌ها به آن اشاره کرده‌اند. مصاحبه‌شوندگان این پژوهش هم تصویری شبیه تصویر کارشناسان از صندوق و بحران‌های آن دارند. نمایندگان تشکلی‌های کارگری مهم‌ترین دلایل بحران صندوق‌ها را بیرونی و سیاسی می‌بینند و بیشتر مسئولیت بحران را متوجه دولت، قانون‌گذاران و گروه‌های قدرت می‌دانند که در سازمان نفوذ یافته و به همان میزان نفوذ باعث فساد عدم شفافیت و پاسخگویی شده‌اند.

در نتیجه این دیدگاه است که پژوهش یکی از نخستین اقدام‌ها را احیای مجدد شورای عالی تأمین اجتماعی می‌داند. وقتی شرکای اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دخیل باشند و سازمان هم نظارت درستی داشته باشد، نمایندگان کارگری می‌خواهند حضورشان در تصمیم‌گیری‌ها به رسمیت شناخته شود و این مساله فقط با رأی برابر ممکن نیست: «این امر مستلزم زمینه‌ای اساسی‌تر است که امکان حضور نمایندگان کارگری را به صورتی فراهم کند که هم منافع کارگران را بازنمایی کند و نماینده‌شان باشد و هم قدرت تشکلی کافی برای چانه‌زنی داشته باشد.»